



سخن مدیر مسئول

## چرا رویکرد حفاظتی؟

تغییر اقلیم در جریان است و افزایش متوسط درجه حرارت مهم‌ترین شاخص آن است. هم‌زمان در دهه گذشته، ایران وارد یک دوره سخت خشک‌سالی شده است. تأثیر افزایش درجه حرارت و ظهور دوره خشک‌سالی در طبیعت ایران باعث شده که متغیر استرس جای خود را به متغیر تخریب بدهد. اکوسیستم‌های بیابانی، استپی و نیمه‌استپی ایران اکوسیستم‌های برآمده از حاکمیت استرس هستند. کندی رشد، تولید زی‌توده کم و مقاوم به خشکی و شوری از ویژگی‌های این نوع اکوسیستم‌ها است. با توجه به شدت یافتن فرایند تغییر اقلیم، کمبود رطوبت و افزایش درجه حرارت در این رویشگاه‌ها، کمبود منابع از متغیر استرس به متغیر تخریب تغییر ماهیت داده است. یعنی گیاهان، جانوران و اکوسیستم با پدیده زوال روبه‌رو هستند. تعریف استرس در منابع یعنی کمبود یک یا چند عنصر و منابع مورد نیاز به‌حدی که گیاه برای رویش خود نیازمند اتخاذ یک روش محافظه‌کارانه باشد. روشی که تمامی گیاهان و جانوران مناطق خشک آن را تجربه می‌کنند. درمقابل، تعریف تخریب و به‌هم‌زدگی، از بین رفتن بخشی یا تمام گیاه تحت تأثیر حذف یک متغیر محیطی است و کمبود آن به‌حدی است که منجر به مرگ گیاه می‌شود. به‌عنوان مثال، در چنین شرایطی خشک‌سالی از پدیده کمبود و استرس رطوبت به قطع ناگهانی رطوبت تغییر می‌یابد و هم‌زمان افزایش درجه حرارت این تغییر را تشدید می‌کند. در چنین شرایطی است که ما در بیشتر رویشگاه‌ها با پدیده زوال روبه‌رو هستیم. خشکی بنه و بادام کوهی در انتهای زاگرس، زوال بلوط، خشکی و مرگ درمنه‌ها در استپ‌های درمنه‌زار و حتی ناشادابی ممرزها در بخش شرقی جنگل‌های هیرکانی ناشی از این نوع تغییر در اکوسیستم است. در چنین شرایطی باید راهبرد مدیریتی (به‌ویژه با توجه به محدودیت منابع انسانی، مالی و پشتیبانی) به‌شرح زیر بر راهبرد حفاظتی متمرکز شود: - کاهش سطح بهره‌برداری و اعمال روش حفاظتی و قرق در تمام عرصه‌های طبیعی کشور تا بتوان فشار ناشی از بهره‌برداری را به حداقل رساند. این رویکرد مؤثرترین و کم‌هزینه‌ترین رویکرد مدیریتی در شرایط فعلی است.

- تقویت یگان حفاظتی در راستای اعمال روش حفاظتی، قرق و کنترل آتش‌سوزی‌های احتمالی - توسعه و تقویت برنامه‌های حفظ رطوبت در اکوسیستم‌ها. در سال جاری منابع مالی خوبی با عنوان «عملیات آبخیزداری» در اختیار سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور قرار گرفته است. پرهیز از اجرای طرح‌های استحصال آب و مدیریت بهره‌برداری آن، دوری کردن از فعالیت‌های پراکنده سازه‌ای و تمرکز فعالیت‌ها در قالب طرح‌های مدیریت مرتعداری و جنگلداری و استفاده از روش‌های ساده حفظ آب و خاک می‌تواند در کاهش تأثیر خشک‌سالی در اکوسیستم مؤثر واقع شود.

- در مدیریت عرصه‌های طبیعی، تغییر از مدیریت پروژه‌ای به مدیریت اکوسیستم با توجه به پیچیدگی عرصه‌های طبیعی در مقایسه با عرصه‌های زراعی و باغی می‌تواند بسیار کارساز باشد. حفظ و مدیریت یک اکوسیستم منجر به حفظ فرایند حاکم بر اکوسیستم و ظرفیت‌های ناشناخته آن می‌شود.